

به به! چه حرف خوبی



خواننده:
گروه سرود

ترانه سرا:
وحید نیکخواه آزاد

محل اجرا:
استودیوی هشت رادیو



«به به! چه حرف خوبی» مصرع معروف شعر ماندگار وحید نیکخواه آزاد است. او بر ایمان از خاطره شبی می گوید که این شعر را سرود. «آبان سال ۱۳۵۸، زمانی که سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام (ره) تسخیر شد، ایران با تهدیدهای بسیاری از سوی آمریکا روبه رو شد. همان موقع امام خمینی (ره) سخنرانی ای در وصف رشادت و شجاعت جوانان ایرانی داشتند. من سردبیر «کیهان بچه ها» بودم. متناسب با سخنرانی امام (ره) شعری را سرودم که با این بیت شروع می شد: به به! چه حرف خوبی، آن شب امام گفت: «او ادامه ماجرا را اینگونه تعریف می کند: «حدود یک سال از چپ این شعر گذشته بود. آن زمان دیگر من در کیهان بچه ها نبودم. یک روز شهید مجید حداد عادل با من تماس گرفت و از من خواست شب به خانه شان بروم. مجید آن موقع سرپرست رادیو بود. خانه شان در چهارراه قنات، خیابان دولت بود؛ جایی که الان هم خانه پدری آنهاست. شب به خانه شان رفتم. مجید پرسید ماشینت دستگاه پخش دارد؟ گفتم بله. مجید رفت و از خانه یک نوار کاست آورد و در ماشین نشستیم. نوار را در دستگاه گذاشت. برای نخستین بار سرود به به! چه حرف خوبی، آن شب امام ما گفت... را شنیدیم. مجید عذرخواهی کرد و گفت که ما را ببخش! اجازه نگرفتیم و روی این شعر، آهنگ گذاشتیم و تبدیل به سرودش کردیم. تغییراتی به شعر داده بودند. برای مثال شعر من این بود: حرفی که خواب دشمن از آن شکست و آشفت که تغییر کرده و شده بود: حرفی که خواب دشمن از آن سخن برآشفت... خلاصه که سرود در رادیو ضبط و مجید هم پیگیر کار شده بود. بعد از انتشار، این سرود باز خورد خوبی داشت و جزو سرودهای ماندگاری شد که اوایل انقلاب تولید می شد. مجید چندماه بعد به شهادت رسید.»

به به! چه حرف خوبی، آن شب امام ما گفت حرفی که خواب دشمن از آن سخن برآشفت حرف امام این بود: در سرزمین ایران پایتده است اسلام تا هست نور ایمان ما بچه های ایران جنگیم تا رهایی ترسی به دل نداریم از رنج و بی غذایی فریادمان بلند است نهضت ادامه دارد حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد از توپ و تانک دشمن هرگز نمی هراسیم دشمن گیاه هرز است، ما مثل تیغ و داسیم دشمن خیال کرده ما نوکل بهاریم اما امام ما گفت ما مردکارزاریم فریادمان بلند است نهضت ادامه دارد حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد



به لاله در خون خفته

ساخته و اجرا شد. وقتی قرار شد امام (ره) از پاریس به تهران بیایند، سازمانی به نام کمیته استقبال از امام خمینی (ره) در تهران تشکیل شده بود. آنها به ما چند سفارش دادند اما نگفتند که ساز باشد یا نباشد، خواننده باشد یا نباشد. ما هم با الهام از نوحه های مذهبی از سازهای برنجی مثل طبل و زنجیر و سنج استفاده کردیم. اما هنوز نمی دانستیم که آیا اجازه استفاده از خواننده را داریم یا نه. به خاطر همین از گروه کراس استفاده کردیم.»

به لاله در خون خفته، شهید دست از جان شسته قسم به فریاد آخر، به اشک لوزان مادر که راه ما باشد آن راه تو، ای شهید که راه ما باشد آن راه تو، ای شهید همه به پیش، همه به پیش به یک صدا جلاویدان ایران عزیز ما که تا آخرین نفس راحت را ادامه خواهیم داد، ای شهید قسم به اسم آزادی به لحظه ای که جان دادی به قلب از هم پاشیده، شهید در خون غلتیده که راه ما باشد آن راه تو، ای شهید

انقلاب است. در این سیر و مسیر لاله هایی پرپر شدند و از جان خود گذشتند تا نوای جاویدان ایران در کوچه پسکوچه های شهر به صدا دربیاید. در این میان، یکی از آثاری که تولید شد سرود «به لاله در خون خفته» بود. مهم ترین ویژگی های این سرود که در تمامی آثار معروف زمان انقلاب هم شنیده می شود، حس همدلی همه مبارزان است که با شور و حماسه در هم آویخته شده تا حال و هوای انقلابیون را همراه با امید و آرزوهای آنها بیان کند. همین حال و هوا شرایط بود که مردم این سرزمین و آنهایی را که شاهد انقلابی پر شور بودند در رسیدن به آرمانی بزرگ همنا کرد؛ حال و هوایی که در تمام این آثار حضوری درخشان دارد. مرحوم مجتبی میرزاده در مصاحبه هایش درباره تولید این سرود گفته بود: «من در زمان انقلاب حدود ۱۲۰۰ آهنگ ساختم و تنظیم کردم. آن موقع ها در شرایط خاصی کار می کردیم. روزی که به سازمان صدا و سیما رفتیم تا نخستین سرود را ضبط کنیم همه شیشه های سازمان شکسته بود. همه چیز از هم پاشیده و همه بلاتکلیف بودند. بسیاری از این آهنگ ها در همان شرایط

خواننده:
گروه کر

ترانه سرا:
جهانبخش بازوکی

وقتی سال ۵۷ رسید، روزها به شتاب از پی هم آمدند و مجالی برای تیرگی باقی نگذاشتند، چنان که شب ها فانوس فریادهای «الله اکبر» بر بام سرنوشت این ملت، در خشکی دوچندان یافت. نوای زیبای انقلاب در سرودهای انقلابی چنان تجلی پیدا کرد که تا امروز نیز شنیدن آن نغمه ها بر ایمان تجلی بخش روزهای روشن

آهنگساز: رضا قلی ملکی	خواننده: محمد گلریز
	
محل ضبط: استودیوی هشت رادیو	شاعر: حمید سبزواری
	



دارم سپاس بی قیاس کردگار من

در حالی که هر آهنگ خوب حداقل نیاز به یکی، دو ماه زمان دارد تا به محصولی مناسب و قابل دفاع تبدیل شود، ولی در روزهای انقلاب اینطور نبود. ما ساعت ۸، ۹ صبح به استودیو می رفتیم و تا ساعت ۴، ۳ صبح روز بعد آهنگ ضبط می کردیم. من در فاصله زمانی یکساله از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۵۸، حدود ۴۰ کار خواندم. رضا قلی ملکی سرود نیایش را با همان مصرع معروف «الله یا الله یا الله» در سال ۱۳۵۸ ساخت. محمد شمس هم تنظیمش کرد. شعرش از حمید سبزواری، یار شفیق ما بود که شعرها و سرودهای انقلابی آن روزها، همچون چشمه ای زلال از وجود ایشان می جوشید. «امام خمینی (ره) با همه مشغله های آن روزها پیگیر سرودهای انقلابی بود، آنها را گوش می کرد و این برای شاعران و گروه موسیقی مایه دلگرمی خاصی بود. در این حال و هوا، سرود نیایش

استودیو شماره هشت رادیو روزهای اول انقلاب با همه کوچکی و سادگی اش محل ضبط بسیاری از نواها و سرودهای انقلابی بود. از طرفی این استودیو امکانات فنی کافی و مناسبی برای تنظیم صدا و ضبط موسیقی نداشت. سرود نیایش که در همان ماه های ابتدایی پیروزی انقلاب در این استودیو ساخته شد، بسیار مورد توجه امام خمینی (ره) قرار گرفت.

محمد گلریز خواننده این سرود می گوید: «آن سال ها رادیو تولید خاصی نداشت. در حقیقت کسی هنوز نمی دانست باید چه کند. ما می آمدیم روزی ۴ تا ۴ کار می خواندیم. همه این کارها در شرایط سخت و بدون امکانات تنظیم و ضبط می شد. اگر الان به آثار موسیقایی اوایل انقلاب گوش دهید، هیچ کسی نمی تواند از نظر فنی، آهنگسازی، ارکستراسیون و... از آنها ایراد بگیرد،

اللّٰه یا اللّٰه اللّٰه یا اللّٰه
دارم سپاس بی قیاس کردگار من
زیرا که لطف بیکرانت گشته بار من
از بام اهریمن رها کردی دیار من
آری خدای من ای رهنمای من
ای دست تقدیرت مشکل گشای من
یارم تو بودی ره گشودی سوی آزادی
بر بازوان ناتوان من تو ان دادی
یارم تو بودی در گشودی سوی آزادی
بر بازوان ناتوان من تو ان دادی
ز قیام خود، ز رکوع خود، ز سجود خود شادم
که رضای دل به رضای تو به قضای تو دادم

به دلیل مضمون خاص و معنوی در آمیخته با شور انقلابی مورد توجه امام (ره) قرار گرفت.